دیگر سو

مصر ایرانی

جایی بسیار دور از شهرهای شلوغ، درست نزدیک به مرکز پهنه یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار و صد و نود و هشت کیلومتر مربعی ایران و در میانه کویری پهناور، جزیره‌ای کوچک در میان شن‌های روان به نام روستای مصر واقع است؛ روستایی که درست مثل خود کویر شگفت است و حیرت‌انگیز.

هرچند که پهنه‌ها، بلندی‌ها و پستی‌های طبیعت سراسر شگفتی است اما شگفتی منحصربه‌فردکویر افسونی است که تنها با حضور قابل درک است.

نه متن، نه عکس و نه هیچ رسانه دیگری حتی نمی‌تواند رویای کویر را تمام و کمال زنده کند. اما گریزی نیست از پارادوکس نوشتن از کویر چرا که حضور در کویر هیچ‌گاه دائمی نیست. شن‌های روان این منطقه که محلی‌ها با ترکیب زیبای فارسی رمل (ماسه بادی) از آن نام می‌برند همه چیز این دریاست که برخلاف دریای مرسوم کمتر موجودی زنده یا مرده در آن یافت می‌شود. این ماسه بادی‌ها تا دیوار به دیوار چینه‌های روستا و زمین‌های کشاورزی آن پیش آمده‌اند و در عین لطافت بسیار چونان آب روان، گویی به انتظار نشسته‌اند تا روستا را هم درنوردند اما مردمان کویر در دل این دریای شن، با توسل به کاریز (قنات) این ابتکار خاص ایرانیان، جزیره‌ای ساخته‌اند، بستر نعمت: خرما، انار، صیفی و... شاید هم همین نخل‌های استوارند که این سرسبزی را میان این همه بی‌آبی و داغی به ارمغان آورده‌اند. این روستا واحه‌ای است در ۴۰ کیلومتری شرق جندق که حضور جهانگردان خارجی در آن، یکی از شیرین‌ترین خاطرات ۴۰ خانوار ساکن در آن است و جندق نیز شهر کویری کوچکی است که درست در میانه راه دامغان به نایین و اصفهان قرار دارد. مصر دهکده‌ای است جداافتاده از جاده اصلی که بیشتر به آوردگاهی می‌ماند که در آن درختان کهن و راست قامت نخل به همراه سازه‌های خشتی و بادگیرهای آفتاب خورده‌اش، مدت‌هاست مشغول زورآزمایی با تپه‌های لغزان شن هستند؛ آباد بومی با نزدیک‌ترین فاصله با میانه ساحلی جنوبی کویر نمک که در نخستین برخورد با معماری خاص روستا و اندک آدم‌های آن، که به نظر نمی‌رسد هیچ کدام عجله‌ای برای رسیدن به مقصد داشته باشند.

روستای مصر با دو روستای بسیار کوچک دیگر به نام‌های امیرآباد و فرحزاد در یک خط شمالی- جنوبی به طول حدود شش کیلومتر واقع شده‌اند. تعداد خانوارهای ساکن فرحزاد کمتر از انگشتان یک دست است و امیرآباد نیز فقط محلی است برای کشاورزی اهالی مصر. آنجاست که آدمی پی به سختکوشی مردمان کویر می‌برد. در امیرآباد بوی باغ ایرانی حس می‌شود؛ گویی به شمال کشور آمده‌ای، هوایی مطبوع و دلپذیر، خرمن‌های گندم و جو و در بهار بوی گل سنجد است که توجه آدمی را جلب می‌کند. آب کشاورزی و شرب روستا از طریق یک قنات که سرمنشاء آن تا روستا نزدیک ۲۵ کیلومتر فاصله دارد، تامین می‌شود که آب نسبتاً شیرین و گوارایی است.

خانه‌های روستا، مسجد و دبستان آن هم دو طرف خیابان اصلی که آب قنات از میان‌شان می‌گذرد، قرار گرفته‌اند. ورودی روستا دو اتاق کوچک مقابل هم قرار گرفته‌اند که داخل یکی ژنراتور بزرگی است که برق مصر و روستای همجوار آن را (فرحزاد) تامین می‌کند و دیگری تنها مغازه روستاست که مجهز به خط تلفن ثابتی است که ارتباطات مخابراتی ساکنان یا احیاناً مسافران را برقرار می‌کند (ارتباط با تلفن همراه میسر نیست).

برق روستا هم قبلاً به دلیل عدم قرار گرفتن در شبکه سراسری از ۵ صبح تا ۱۰/۳۰ شب وصل بوده و راس ساعت ۱۰/۳۰ برق و صدای موتوربرق قطع می‌شده و هم‌اکنون در تمام طول ۲۴ ساعت برق روستا وصل است البته در فرحزاد سکوت بیشتر از مصر است چون صدای نهیب ژنراتور دیزلی شنیده نمی‌شود.

شمار اهالی روستا را ۱۷۰ نفر تخمین می‌زنند که البته در گذشته این رقم بیشتر بوده، اما سیل بزرگی که چند سال پیش رخ داد و سبب ویرانی نیمی از دهکده را فراهم آورد، سبب شده تا روند مهاجرفرستی روستا با شتاب قابل تامل افزایش یابد.

این روستا در ۴۰ کیلومتری شرق جندق و ۵۰ کیلومتری شمال خور از توابع استان اصفهان قرار دارد. موقعیت جغرافیایی روستا ۰۴/۳۴ شمالی و ۴۷/۵۴ شرقی است.

و اما جندق شهری است کوچک و قدیمی که تا تهران ۶۵۰ کیلومتر فاصله دارد. این شهر در ۳۵۰ کیلومتری شمال شرقی اصفهان قرار دارد. موقعیت جغرافیایی آن عرض ۳۳:۵۶:۲۳ شمالی و طول آن ۵۴:۲۱:۲۹ شرقی است، ارتفاع آن نیز از سطح آب‌های آزاد ۱۲۱۳متر است.

جندق از شمال به کویر بزرگ، از غرب به کویر ریگ جن و رشته‌کوه‌های جندق، از جنوب به بیابان‌های اطراف خور و از شرق به حاشیه جنوبی دشت کویر محدود می‌شود.

این شهر در ۲۶۰ کیلومتری جنوب دامغان واقع است. سراسر این ۲۶۰ کیلومتر هم صرف نظر از چند روستای کوچک ابتدای مسیر، بیابان است و عاری از دستکاری و خرابکاری بشر در طبیعت. طبق آخرین سرشماری، جمعیت جندق چهار هزار نفر بوده که اکثراً به دامداری و کشاورزی مشغول‌اند. از مهم‌ترین محصولات آن می‌توان به زعفران، سیر، گندم و جو اشاره کرد البته نان‌های شهر جندق را از یاد نبرید که بسیار لذیذ است. زبان مردم جندق فارسی است ولی مردم بعضی از روستاها مثل گرمه، اردیب، ایراج و فرخی لهجه ویژه‌ای دارند و در زبان‌شان واژگان پهلوی بسیار است. جندق در زمان‌های گذشته در مسیر شاهراه ارتباطی کاروان گذر جندق به بیدستان قرار داشته و کاروان‌هایی که از سمت جنوب ایران قصد عزیمت به ری و شمال کشور را داشته‌اند، پیش از عبور از دریای کویر در جندق اتراق می‌کرده‌اند. در حال حاضر جندق محور ارتباطی اصفهان، نائین، انارک، جندق، دامغان و مشهد است و مسافرانی که از اصفهان و شهرهای جنوبی ایران قصد عزیمت به مشهد را دارند، از این محور استفاده می‌کنند.

این شهر کوچک برای خودش موزه‌ای است. تاریخ این شهر به دوران ساسانی برمی‌گردد. در زمانی که انوشیروان دادگر این مکان را به عنوان تبعیدگاهش انتخاب کرده بود قلعه و بارویی ساخته که طی سالیان دراز، دور قلعه را خانه‌هایی محصور کرده است و حالا جندق شهری است در دل کویر. مردم این شهر اندک زراعتی دارند و در خانه‌های ساده‌شان دار قالی برپاست. اینجا شهر شاعری است با نام یغمای جندقی. خانه قدیمی این شاعر در قلعه جندق واقع است. یغما شاعر عهد قاجار است. شهر جندق چیزی کمتر از ابیانه ندارد اما از اقبال ابیانه هم نصیب نبرده، که به تهران نزدیک باشد و گوشه نظری به آن شود. همه جای این شهر به خصوص قلعه، بافتی قدیمی دارد و حتی بافتی ۱۵۰۰ساله. طاق‌ها و رواق‌های کوتاهی در کوچه‌ها دیده می‌شود و چون در قدیم راهزن‌ها به شهر حمله می‌کردند در خانه‌ها را کوتاه می‌ساختند و طاق‌های کوتاهی در کوچه بنا می‌کردند تا اسب‌های راهزن‌ها وارد خانه‌ها و حریم حرمت‌دارشان نشوند. چاه‌هایی که به قنات وصل می‌شوند در همه خانه‌های قلعه وجود دارند. این چاه‌ها به شکل عجیبی ساخته شده‌اند و برای اینکه راهزن‌ها نتوانند از طریق قنات وارد حیاط خانه‌ها شوند این چاه‌ها به شکل مارپیچ ساخته شده‌اند تا آدمی نتواند از آن رد شود. این شهر پر از اسرار است و افسوس که همه بادگیرها، اسرار و حتی مردم این شهر به فراموشی سپرده شده‌اند.

قلعه این شهر جزء معدود قلعه‌هایی است که با گذشت چند صد سال از عمر آن هنوز مسکونی است. این قلعه در شمال جندق واقع است و جنوب آن را کوچه‌باغ‌های پرپیچ و خم با دیوارهای گلی و پرچین‌های زیبا تشکیل داده‌اند در ضمن این باغ‌ها محصولات اندکی از جمله توت، زردآلو و گل‌های محمدی و نرگس می‌دهند. قدمت جندق مسلماً به قبل از اسلام برمی‌گردد و این از قلعه موجود در این شهر پیداست البته طبق حدیثی معتبر در زمان پیامبر اکرم(ص) (برگرفته از کتاب حدیقه‌الشیعه احمدبن محمد معروف به مقدس اردبیلی)، فرشی تمام‌ابریشم از جندق بافته شده و خدمت آن حضرت فرستاده شده است. البته در کتب دیگر هم از جندق نوشته‌اند. کتاب‌هایی مثل بر ساحل کویر نمک، تاریخ قومس، سفرنامه ناصرخسرو و...

منبع: وبلاگ روستای مصر

میراثی زنده در دل جنگل‌های سراوان

روستاموزه‌ای در گیلان

در دل جنگل‌های سراوان روستایی هست که می‌شود در یکی از چم‌های جاده شمال در آن ایستاد و به گذشته نقبی زد.

این روستا تلفیقی است از خانه‌های روستاهای گیلان در ۱۰۰ سال گذشته؛ نمونه‌ای از آن خانه‌ها که هنوز دست طبیعت آن را به خاطره نبرده، که واچینی و در اینجا دوباره‌چینی شده است. در موزه‌ای به نام موزه میراث روستایی استان گیلان در ماکان. این ۱۴ خانه روستایی نشانگر معماری و سبک زندگی روستاییان مناطق مختلف استان گیلان هستند که هر یک از خانواده‌ای در جای‌جای استان خریداری شده، بعد از شماره‌گذاری قطعات آنها دوباره واچینی شده و سپس مطابق نقشه اصلی در محل موزه سر هم شده‌اند. برخی بناها ۶۰ تا ۱۲۰ سال عمر دارند. نکته این است که از پس سال‌ها این ساختمان‌ها بلایای مختلفی چون زلزله و... را تاب آورده‌اند پس می‌توان آنها را نمونه‌های موفقی در معماری استان دانست. مصالح ساختمانی بیشتر برگرفته از طبیعت منطقه است و بسته به منطقه جغرافیایی روستا، گیاهان منطقه و وضعیت مالی صاحبان، سبک معماری متفاوت است. دانشجویان مردم‌شناسی، میراث فرهنگی و معماری از مشتریان همیشگی این موزه هستند اما به جز آنها تنفس در فضایی طبیعی که درکی از زمان دیگر و زندگی پیشینیان می‌دهد، برای هر کسی جالب است. فاز مطالعات مقدماتی این موزه از سال ۱۳۸۱ آغاز و در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ اولین کارگاه این طرح (حوزه فرهنگی و معماری جلگه شرق سپیدرود) در زمینی به مساحت حدود ۲۶۰ هکتار در پارک جنگلی سراوان (کیلومتر ۱۸ جاده رشت - تهران) راه‌اندازی شد و اکنون نیز قرار است توسعه یابد. سازمان یونسکو هم در این پروژه با ایران همکاری داشته است. در این موزه علاوه بر این ساختمان‌ها، در قسمت‌های مختلف صنایع دستی گیلان، غذاهای محلی گیلان، بازی‌های محلی و بومی روستایی گیلان و... توسط صنعتگران و هنرمندان محلی معرفی می‌شوند، و معرف‌ها و کارمندان موزه لباس‌های محلی روستاییان گیلان را بر تن کرده‌اند که خود جاذبه بیشتری به این محل داده است. مراسم‌های مختلفی از زمان افتتاح موزه در این فضا برگزار شده است مثل جشنواره چای. برای یادآوری سنت‌های مردم گیلان‌زمین چندی پیش مراسم عروس‌بران در همین خانه‌های محصور در جنگل برگزار شد که مورد استقبال هم قرار گرفت. صدای نقاره در فضا می‌پیچد، زن‌ها با دامن‌های چین‌دار سفید با خط‌های رنگ به رنگ دور عروس می‌ایستند. داماد با هلهله و شادی و صدای ساز همراهانش به خانه پدر عروس وارد می‌شود. خواهر کوچک داماد برای عروس شال می‌بندد. مردان در محوطه فضای باز مشغول اجرای رقص محلی هستند. در خانه داماد مراسم نارنج‌زنی است. داماد نارنجی را به نشانه طراوت و برکت به سمت عروس می‌اندازد و... همان قدر که یک گردشگر خارجی از دیدن این مراسم لذت می‌برد، فضاسازی دوباره و اجرای آیین‌های دیرین برای گیلانی‌ها و ساکنان دیگر استان‌های کشور دیدنی است. نمایش سفره گیلانی از بخش‌های دلچسب موزه است. سفره گیلانی همچون طبیعت آن سرسبز و پر و پیمان است. برنج غذای اصلی گیلانیان است اما در کنار آن، انواع سبزی، تخم‌مرغ، لبنیات، گوشت پرندگان شکاری، انواع ماهیان رودخانه‌ای و دریایی و... سفره را پربارتر می‌کند. طعم زندگی. نان گیلان در مناطق مختلف با ترکیبات متفاوتی از آرد گندم، آرد برنج، تخم‌مرغ، کدو، شیر و شکر پخته می‌شود. گویا توافقی نانوشته بوده برای اینکه مردم در هر منطقه از کشور به تبع حال و هوای طبیعت پارچه خاصی به رنگ خاص را بیشتر استفاده کنند. در اینجا هم رنگ، رنگ سرخ و سبز گیلانی است. شالیزاری هم در پیش روی خانه‌هاست؛ شالیزاری منظم که زنان در آن صبح را به غروب آفتاب پیوند می‌زنند.

روایت روستاها را زنانی نقل می‌کنند که لباس رنگارنگ به تن دارند با تـه لهجه گیلانی و در آستانه هر خانه گردشگران را راهنمایی می‌کنند. زنان روستایی در روزهای جمعه به موزه می‌آیند، نان می‌پزند و به این موزه زندگی می‌بخشند. به گفته مسوولان موزه کمبود اعتبار مانع از برگزاری هرروزه مراسم در این موزه است؛ موزه‌ای که همت علاقه‌مندان حفظ فرهنگ و آیین‌های باستانی در آن نقش چشمگیری داشته است. همه آنانی که یادگارهای نیاکان‌شان را در خانه محبوس نکردند و به چشم‌های دیگر بخشیدند.

عکس: سایت موزه میراث روستایی گیلان

در سفر

کوله‌پشتی و کوهنوردی

وحید اشرفی

در میان وسایل کوهنوردی پس از کفش، مهم‌ترین وسیله کوله‌پشتی است چون تمام وسایل مورد نیاز کوهنورد برای صعود و فرود و شب‌خوابی در درون آن قرار می‌گیرد. کوله‌ها از زمان قدیم تاکنون دستخوش تغییرات فراوانی شده‌اند به طوری که امروزه اگر برای اولین بار برای خرید کوله به یک فروشگاه وسایل کوه بروید شاید از دیدن سایزها و رنگ‌ها و اشکال مختلف آنها سرتان گیج رود! بنابراین لازم است با مشورت با یک فرد خبره و باتوجه به نیازتان کوله‌ای مناسب اختیار کنید تا همیشه و در همه حال بهترین همدم شما باشد چون اگر شکل و اندازه کوله مناسب بدن و برنامه شما نباشد ممکن است بر اثر فشارهای وارده بر شانه و ستون مهره‌ها برای همیشه از کوله و کوهنوردی و حتی از زندگی سیر شوید. برخی از کوله‌های قدیمی که امروزه نیز گاه استفاده می‌شوند دارای یک زین فلزی در خارج از کوله هستند که با پشت فرد در تماس است و چون بار را به تناسب بین شانه و پشت و کفل تقسیم می‌کند، برای بارکشی‌های سنگین و حتی در موارد اضطراری برای حمل مجروح مناسب است. اشکال این کوله‌ها وزن بیشتر و ارتفاع و پهنای زیاد است. چون در مسیرهای تنگ یا دارای شاخه‌های درخت یا سنگنوردی باید از کوله‌های باریکی استفاده کرد که عرض آن بیشتر از بدن نباشد. کوله‌های قدیمی دارای جیب‌هایی نیز در پشت و طرفین هستند که می‌توانید وسایل ضروری و دم‌دست را در آنها قرار دهید. ولی کوله‌های جدیدتر که بیشتر برای برنامه‌های فنی یا زمستانی به کار می‌روند به جای جیب‌های بیرونی دارای یک جیب بزرگ در روی کوله هستند و بعضاً نیز در بخش انتهایی کوله محفظه‌ای را جدا کرده‌اند که دارای زیپ است و می‌توان برای وسایل ضروری یا کیسه‌خواب از آن استفاده کرد؛ در دو طرف و پشت کوله نیز بندهایی برای بستن وسایلی مانند فوم / زیرانداز، کلنگ، باتوم، کرامپون و... تعبیه شده است. جنس کوله‌ها معمولاً صددرصد ضدآب است که در انواع جدید از پارچه‌های کورتکس که سبک‌تر نیز هستند استفاده می‌شود. رنگ کوله نیز مانند لباس‌ها باید به شکلی باشد که متضاد با محیط برنامه مورد نظر شما باشد تا از دور کاملاً به چشم بیاید که این مساله در صورت گم شدن یا مجروح و زمینگیر شدن به جست‌وجوگران کمک زیادی می‌کند. بنابراین کوله‌ها معمولاً به رنگ‌های قرمز و زرد و آبی ساخته می‌شوند.

نوعی از کوله‌ها که به رنگ سبز یا پلنگی هستند مخصوص شکارچیان یا سربازان است که می‌خواهند در استتار باشند.

اندازه کوله‌ها را برحسب فضای داخل آن و با واحد لیتر اندازه‌گیری می‌کنند که معمولاً از ۳۰ تا ۱۰۰ لیتر متفاوت است. کوله‌های ۳۰ لیتری برای برنامه‌های یک‌روزه بدون وسایل خواب یا دوچرخه‌سواری مناسب هستند که البته نوع مخصوص دوچرخه آن دارای بندک نبوده و در آن نیز با یک زیپ بزرگ نیم‌دایره باز می‌شود. همیشه کوله‌ای را انتخاب کنید که پس از قرار گرفتن تمام وسایل دیگر فضایی خالی نداشته باشد تا شکیل و خوش فرم به پشت‌تان بنشیند. اگر کوله بزرگ‌تر باشد از فرم خارج شده و با لنگر انداختن موجب خستگی و آزار شما می‌شود و اگر کوچک‌تر هم باشد که مجبورید مقدار زیادی از وسایل را به دور کوله آویزان کنید یا در دست بگیرید.

نوعی کوله نیز طراحی شده است که مخصوص حمل کودک است و علاوه بر جای مخصوص نشستن کودک که در حمایت هم باشد و سقوط نکند دارای تعدادی جیب نیز برای وسایل ضروری است. امروزه کوله‌های مخصوصی نیز برای نوجوانان و بانوان ساخته می‌شود که متناسب با فیزیک بدنی آنهاست.

بخشی از کوله که با پشت فرد در تماس است شاید مهم‌ترین بخش باشد که باید مانع از چسبیدن کوله به پشت و عرق کردن شود. کوله‌ها معمولاً بند بزرگی در قسمت پایین دارند که به دور کمر پیچیده می‌شود و در حفظ تعادل موثر است. برخی نیز دارای بندکی مشابه و در جلوی سینه هستند که تعادل بالای کوله را حفظ می‌کند ولی موقع صعود که تنفس و حرکت سینه زیاد و سریع است بهتر است بسته نشود و فقط موقع پایین آمدن آن را ببندید.

کوله‌های باریک و لوله‌ای‌شکلی با جنس ضخیم نیز برای غارنوردی و آبشارنوردی (دره‌نوردی) ساخته شده‌اند که مناسب مسیرهای تنگ و خیس و خشن است. موقع چیدن کوله وسایل سخت و فلزی را در تماس با بدنه کوله قرار ندهید که اگر در پشت‌تان باشد باعث آزار و اگر در اطراف باشد بر اثر کشیده شدن کوله به در و دیوار باعث پارگی کوله می‌شود. وسایل را طوری بچینید که سنگین‌ترها در نزدیک پشت و بالای کوله باشند و همچنین وسایل را به ترتیب استفاده داخل کوله قرار دهید. در یک کلام کوله چینی خود یک هنر است که با تمرین در شرایط مختلف روز و شب و هوای سرد و گرم و با دستکش‌های کلفت و... به دست می‌آید. جای وسایل را کاملاً به خاطر داشته باشید تا با چشم بسته هم بتوانید وسیله مورد نظر را بیابید! مواد سوختی را در ظروف با در محکم و چندلایه پلاستیک قرار دهید تا نشت آن باعث خرابی کوله و لباس و غذاها نشود.

توصیه: در خرید کوله و همه وسایل کوهنوردی چون با آسایش و حتی جان شما سروکار دارد به قیمت فکر نکنید و بیشتر به کیفیت و دوام و راحتی و وزن کم آن بها دهید. همچنین وسایل خود را تخصصی کنید و به دنبال کوله‌ای برای همه برنامه‌ها یا کفشی برای همه فصول نباشید.

کلام آخر هم اینکه به قول معروف باید چند تا کوله را کهنه یا پاره کنید تا بتوانید کوله مناسب خود را پیدا کنید.

سودوکو شماره ۲۲

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

3			1			5		7
				8		4		
9	1			2				
			9		2			6
	9	4				3	5	
1			5		3			
				5			6	4
		9		3				
5		6			4			2

حل سودوکو شماره ۲۱

9	7	3	8	2	6	4	5	1
8	1	2	9	5	4	3	7	6
4	6	5	3	7	1	9	2	8
1	9	4	7	3	5	6	8	2
3	8	6	4	1	2	5	9	7
2	5	7	6	9	8	1	4	3
6	2	1	5	8	9	7	3	4
7	4	9	2	6	3	8	1	5
5	3	8	1	4	7	2	6	9

جدول شماره ۱۰۱۳

افقی

۱- شهردار تهران که به عنوان مدیر مردم‌دار برتر انتخاب شد- زینت زنانه ۲- شلیدن- اهل هنر- روان انسان ۳- دشمن- پس دادن- مروارید ۴- سکسکه- پاره سنگ ترازو- پایتخت کشور ژاپن ۵- کوهی در ترکیه- حامله ۶- مجلس آلمان- میگو ۷- قبیله سرخپوستان- سالخورده- اراده ۸- نتی در موسیقی- پیمان‌نامه- درخت انگور ۹- ابر پایین‌آمده- دایره- گوشت کبابی ۱۰- مغناطیس- نام قدیم خراسان ۱۱- فرهنگستان- کامل و بدون نقص بودن ۱۲- آدمک- پیغمبری که بر رنج و غم و درد بسیار صابر بود- بانوی عرب ۱۳- تپانچه- نام دیگر الکل اتیلیک- مقام و منزلت ۱۴- صمغی سرخ‌رنگ با مصارف صنعتی- جسم و تن- مایوس ۱۵- شیخ‌الرئیس- داربی.

عمودی

۱- از آثار دیدنی و باستانی استان خوزستان- آکندگی معده ۲- قلیل- عشیره، طایفه- به دست آوردن ۳- جورچین- اشاره به نزدیک- کنترل کردن- شهر فرانسه ۴- حرف دهان‌کجی- میوه ترش و سرخ از درختی خاردار- شاخه‌ای از ریاضی ۵- تمام و کامل شدن همچون ماه- چهار دیواری کوچک- کمر نافرم- از الفبای انگلیسی ۶- کشوری کوچک میان فرانسه و اسپانیا- فوتبال امریکایی- ضمیر اشاره ۷- از مواد افیونی- برگه‌های انتخاباتی- تکیه کردن ۸- شهر افغانستان- حرفش یکی است- درست، مهیا ۹- گیاهی برای تهیه نان- شیر- یکی از خدایان مصر قدیم ۱۰- تخیلی‌نویس فرانسوی و خالق اثر ۲۰ هزار فرسنگ زیر دریا- جوان در کلام حکیم فردوسی- گروهی از گیاهان علفی با گل‌ها و برگ‌های معطر ۱۱- چیز- طاقت و تحمل- واحد پول امارات- شهری در استان فارس ۱۲- از کشورهای خاورمیانه- کج و خمیده- یازده ۱۳- سطح ساینده سوهان- از ادوات پرسش- شست ولی نامرتب- نام قدیمی رودخانه جیحون ۱۴- واحد اندازه‌گیری زاویه- بعضی به خشخاش می‌گذارند- تخت پادشاهی ۱۵- فراگیرنده فنون بازیگری- از آثار هنری فیلدینگ نویسنده انگلیسی.

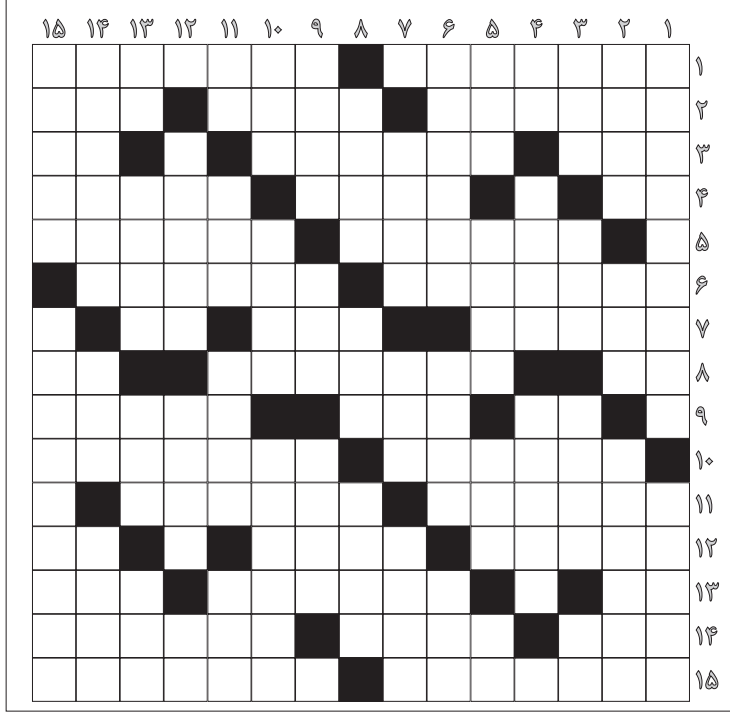

حل جدول شماره ۱۰۱۲